

عوامل غفلت از نگاه امام علی (ع) با برداشت از خطبه غرّاً

آمنه شریعتی*

چکیده

غفلت سرمنشاء خودفراموشی و بیگانگی و زمینه‌ساز اصلی همه گناهان و ردایل اخلاقی است و فرد را از سعادت دنیا و آخرت ساقط می‌سازد به همین دلیل نوشتار حاضر با هدف تبیین و بررسی غفلت در نگاه امام علی (ع) با تمرکز بر خطبه ۸۳ نهج البلاغه یا همان خطبه غراء به رشته تحریر درآمده است تا مهمترین عوامل غفلت و راهکار برون‌رفت از آن را در سیره علوی نشان دهد. این نوشتار به روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی - تحلیلی نشان می‌دهد که عوامل غفلت‌زا عبارتند از: نداشتن پیشوا و رهبر، بی‌بصیرتی و ناآگاهی، پیروی از هوای نفس و شیطان، توجه به زرق و برق دنیا، فراموشی مرگ که در مقابل آنها آنچه موجب بیداری انسان می‌گردد از منظر امام (ع) راهکارهای رهایی از غفلت تقواپیشگی، صبر، معاداندیشی و عبرت‌آموزی است.

کلیدواژگان: غفلت، امام علی (ع)، نهج البلاغه، خطبه غراء

* . سطح ۲ جامعه الزهرا قم و کارشناس ارشد معارف نهج البلاغه دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)؛
kosar.aliAabad@Gimil.com

مقدمه

غفلت، بی‌توجهی یا کم‌توجهی انسان به سرنوشت و سعادت دنیا و آخرت خود است؛ به گونه‌ای که فرد غافل رفتار و اعمال خویش را بدون توجه و آینده‌نگری دنبال می‌کند و به حقایق دنیا و آخرت اعتنایی ندارد. غفلت به معنای انصراف قلب و هوش و حواس از خداوند و آیات الهی، پیامدها و آثار مخرب و زیانباری دارد که می‌توان از آن جمله به گرفتاری شخص و جامعه به دنیاگرایی اشاره کرد و آن را یکی از اصلی‌ترین موانع ایمان و حیات معنوی و بی‌بصیرتی دانست. در این نوشتار به تبیین و بررسی عوامل غفلت و راهکار برون‌رفت از آن از دیدگاه امام علی (ع) با محوریت خطبه ۸۳ نهج البلاغه معروف به خطبه غراء می‌پردازیم و هشدارها و سفارشات امام (ع) در این باب را برمی‌شمیریم تا الگوی طی طریقت و اعتلای انسانیت ما قرار گیرد.

امام علی (ع) در خطبه ۸۳ نهج البلاغه هنگامی که شرایط را برای پذیرش پند و اندرز الهی توسط مردم در تشییع جنازه مسلمانی فراهم دید به این مهم پرداخته و سخنانی را در جمع آنها ایراد فرموده است چنانکه بدن‌ها و دل‌ها را لرزاند و اشک‌ها از دیدگان روان گشت به همین منظور، این خطبه به خطبه «غراء» به معنای درخشنده مشهور گشته است. در بخش‌هایی از این خطبه امام (ع) بعد از بیان احوال بندگان در دنیا برای مردم مثل‌های پندآموز بیان می‌کند و راه‌های پندپذیری را بازگو کرده و مردم را به عبرت گرفتن از مرگ فرامی‌خواند و ضمن شناساندن الگوهای درست به مردم متذکر دشمنی شیطان می‌شود و

با بیان نشانه‌های قدرت الهی آن را یکی از راه‌های نجات بشر از غفلت معرفی می‌کند.

معناشناسی غفلت

«غفلت» در لغت به معنای فراموش کردن و بی‌خبرگشتن است. «رجل غفل» به کسی گفته می‌شود که حسب و نسبش ناشناخته است. واژه غفلت در معنای دیگری نیز به کار می‌رود، زمانی که ذهن انسان مسئله‌ای را به‌طور سهوی فراموش می‌کند، این مسئله در ذهن انسان پوشیده می‌شود و از خاطر پاک می‌شود. حال آنکه این مسئله زمانی برای انسان مشکل‌ساز می‌شود که انسان مراقبت و هوشیاری‌اش نسبت به موضوعی کم شود. این فراموشی ذهنی انسان همان غفلت از مسائل است که در جامعه امروز دامنگیر افراد شده است. معنای این واژه در کتاب *التحقیق فی کلمات القرآن* این‌گونه آمده است: «غفلت غایب شدن چیزی از خاطر انسان و عدم توجه به آن است و گاهی در مورد بی‌توجهی و روگردانی از چیزی نیز استعمال شده است» (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۲۴۷/۷). پس غفلت عبارت است از: نبود تذکر و یادآوری. با توجه به این توضیح، حوزه تعریف غفلت وسیع‌تر می‌شود. به عبارتی هر گونه فراموش کردن، بی‌خبری، توجه نداشتن و بی‌توجهی نسبت به موضوعات، غفلت تلقی می‌شود (ابراهیم، ۱۹۸۹: ۱/۶۵۷). متضاد غفلت، ذکر و یادآوری است.

عوامل غفلت در خطبه غراء

با کمی تأمل در سخنان امام (ع) در خطبه غراء می‌توان از هر بخش و از هر سخنی از کلام ایشان به محور غفلت و فراموشی انسان و عوامل آن که یکی از

اصلی‌ترین راه‌های شقاوت و سقوط انسان است پی برد. برخی از مهمترین عوامل غفلت انسان در این خطبه با توجه به سخنان امام (ع) عبارتند از:

۱. نداشتن پیشوا و رهبر

خداوند به انسان چند روزی در دنیا فرصت داده و راه سعادت و شقاوت را نیز در مقابلش قرار داده است و از او می‌خواهد با استفاده از سرمایه‌هایش، سعادت ابدی خود را فراهم سازد. اما انسان غافل با پا گذاشتن به دنیا مسئولیت خود را فراموش می‌کند و پیوسته با سایر غافلان در حال سقوط است. او حتی نسبت به غفلت خود هم غافل است، زیرا اگر نسبت به آن آگاهی داشت، برای خود پیشوا و رهبری انتخاب می‌کرد تا او را از منجلا ب غفلت برهاند. پیشوایان و رهبرانی که می‌توانند انسان غافل را از دام غفلت بیرون بکشند، امامان معصوم (ع) هستند؛ معصومانی که با قیام علیه تیرگی‌ها ندای حق سر می‌دهند و برای مردم بشیر و نذیر می‌باشند. پیامبران و امامان همواره در طول تاریخ با هدایت تشریحی و ارائه راه گنجینه‌های عقل بشری را شکوفا کرده‌اند و آنان را به سوی سعادت و کمال رهنمون ساخته‌اند. یکی از اهداف آنان در این مسیر تشکیل مدینه فاضله یا جامعه آرمانی است که افراد جامعه در آن فارغ از هر گونه ظلم و بی‌عدالتی به سوی کمال حقیقی و معرفت الهی پیش روند. در واقع رسالت سنگین انبیا و معصومین (ع) روشن کردن مسیر سعادت انسانی است. امام علی (ع) در این خطبه به پیامبر (ص) به عنوان هدایتگر و نذیر از سوی خدا اشاره کرده و می‌فرماید: «وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ لِاتِّفَاقِ أَمْرِهِ، وَ أَنْهَاءِ عُدْرِهِ، وَ تَقْدِيمِ نُذْرِهِ؛ گواهی می‌دهم محمد (ص) فرستاده و بنده خداست. او را فرستاده تا فرمانش را اجرا کند و بر مردم حجت را تمام کرده و آنها را در برابر اعمال ناروا بترساند».

پس انتخاب رهبر و پیشوا از عوامل مهم سعادت و هدایت انسان است که اگر از آن غفلت ورزیم زمینه سقوط خود را فراهم خواهیم کرد.

۲. بی‌بصیرتی و ناآگاهی

یکی از عوامل غفلت انسان بی‌بصیرتی و ناآگاهی است. هر چه انسان نسبت به مسائل اعتقادی و دینی سست‌تر عمل کند و آگاهی و بصیرت نداشته باشد انحرافش از مسیر حق بیشتر خواهد بود. با بررسی اجمالی حوادث و مشاهده فراز و فرودهای تاریخ اسلام از دوران پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) تا دوران حاضر آنچه پیش از هر عاملی در رسیدن یا نرسیدن به موفقیت تأثیر بسزایی دارد میزان بهره‌مندی و برخورداری مردم (اعم از عوام و خواص و نخبگان) از بصیرت و آگاهی است و در هر برهه‌ای که مردم از بصیرت بهره برده‌اند و با آگاهی راه درست را انتخاب کرده‌اند، امور به نحو احسن پیشرفته است و به عکس در مواقعی که بدون بصیرت عمل کرده‌اند هم خودشان و هم جامعه را دچار مشکل ساخته‌اند. در واقع می‌توان گفت اصلی‌ترین دلیل انحرافات سیاسی و اعتقادی عدم بصیرت و ناآگاهی است که از عوامل متعددی نشات می‌گیرد. در هر صورت زمینه برای کسب معرفت و آگاهی هر انسانی فراهم است؛ چنانکه امام علی (ع) در همین خطبه به برخی از آنها اشاره نموده و می‌فرماید: «جَعَلَ لَكُمْ أَسْمَاعًا لَتَعِيَ مَا عَنَاهَا، وَأَبْصَارًا لَتَجُلُوَ عَنْ عَشَاهَا ... خَلْفَ لَكُمْ عِبْرًا مِنْ آثَارِ الْمَاضِينَ قَبْلِكُمْ ...؛ خدا گوش‌هایی برای پند گرفتن از شنیدنی‌ها و چشم‌هایی برای کنار زدن تاریکی‌ها به شما بخشیده و از آثار گذشتگان عبرت‌های پند آموز برای شما ذخیره کرده است». این پیام امام (ع) توجه انسان را به بصیرت‌افزایی و کسب معرفت و آگاهی جلب می‌کند و هشدار می‌دهد که اگر چشم بصیرت را

بگشایید وسایل بینایی شما فراهم شده و اگر گوش شنوا داشته باشید سخنان حق به گوش شما رسانده شده است، فقط کافی است در امور سرنوشت‌ساز زندگی آگاهانه و با بصیرت تصمیم‌گیری کنید و غفلت نوزید.

۳. توجه به زرق و برق دنیا

یکی دیگر از عوامل غفلت بشر، دلبستگی او به دنیای فریبنده است؛ چنانکه امام علی (ع) در این خطبه به بیان صفت دنیا پرداخته و می‌فرماید: «فَانِ الدُّنْيَا رَنْقٌ مَّشْرَبٌهَا، رَدِغٌ مَّشْرَعٌهَا، يُوْتِقُ مَنَظَرُهَا، وَ يُوْبِقُ مَخْبَرُهَا. غُرُورٌ حَائِلٌ، وَ ضَوْءٌ آفِلٌ؛ دنیا منظره‌ای دل‌فریب و سرانجامی خطرناک دارد. فریبنده و زیباست، اما دوامی ندارد...». در واقع تشبیهاتی که امام (ع) در جای جای نهج البلاغه و به‌ویژه خطبه مذکور به کار می‌برد حاکی از فریبندگی دنیاست. دنیا درخششی دارد که همه را به سمت خود می‌کشاند. اگر انسان مواظب نباشد و به زرق و برق دنیا مشغول گردد و دل‌بسته آن شود، سقوط خواهد کرد. دنیا به‌معنای عام پول و شهوت و ریاست است. انسان به هر یک از اینها دچار و دل‌بسته شود، راه رستگاری خویش را سد کرده و دچار اضطراب و افسردگی و سلب آرامش می‌شود و در نهایت همین امور موجب برانگیخته شدن معضلات اجتماعی و فساد اخلاقی می‌گردد. اگر انسان می‌خواهد مشغول دنیا نشود باید غفلت را از خود دور کند.

۴. پیروی از هوای نفس و شیطان

یکی از عوامل مهم که موجب غفلت انسان شده و مانع قرار گرفتن او در مسیر کمال و سعادت می‌شود پیروی از هوای نفس و شیطان است؛ همان که امام علی (ع) در غرر الحکم از آن به‌عنوان فرمانده لشکر شیطان نام برده و

می‌فرماید: «عقل دارای لشکر الهی است و هوای نفس فرمانده لشکر شیطان و انسان در میان این دو قرار دارد، هر کدام قالب شود، انسان در اختیار او قرار می‌گیرد» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۸، حدیث ۳۰۴). وقتی انسان تحت لوای شیطان قرار بگیرد چگونه می‌توان انتظار داشت که خدا را فراموش نکند و دست به هر خطا و اشتباه و سوسه انگیز نزند؛ چرا که شیطان آنقدر ماهرانه در وجود انسان رخنه می‌کند که گاهی او اصلاً متوجه حضور شیطان و سوسه‌های او نمی‌شود؛ چنانکه امام علی (ع) در خطبه غراء ضمن توجه دادن انسان‌ها به دشمنی شیطان می‌فرماید: «... وَ حَذَّرَكُمُ عَدُوًّا نَفَذَ فِي الصُّدُورِ خَفِيًّا، وَ نَفَثَ فِي الْأُذَانِ نَجِيًّا فَاضْلٌ وَ أَرْدَى، وَ وَعَدَ فَمَنِّي، وَ زَيْنَ سَيِّئَاتِ الْجَرَائِمِ، وَ هَوْنَ مُوْبِقَاتِ الْعِظَائِمِ، حَتَّى إِذَا اسْتَدْرَجَ قَرِيْبَتَهُ؛ ... شیطان در سینه‌ها پنهانی راه می‌یابد و آهسته در گوش‌ها راز می‌گوید، زشتی گناه را زینت می‌دهد و وعده‌های دروغین داده و آرام آرام انسان را فریب می‌دهد...». بنابراین پیروی از هوای نفس و شیطان به شدت در دوری و غفلت انسان از خدا و معارف الهی اثرگذار است تا حدی که انسان غافل را اگر همچنان در غفلت بماند به هلاکت و نابودی می‌کشاند.

۵. فراموشی مرگ

عمر انسان که تنها سرمایه اوست، همچون آب روان در سرایشی با تندی می‌گذرد و با گذشت هر روز، به اندازه یک روز از سرمایه وی مستهلک می‌شود. بنابراین باید نهایت توجه و وسواس را داشت تا در قبال رفتن این سرمایه ارزشمند، توشه و کمالی در خور جایگاه والای انسانی کسب کنیم. نیرو، سلامتی و بالأخره فرصت‌های مختلف همیشه به یک منوال نمی‌مانند و هر لحظه از مقدار آنها کاسته می‌شود. انسان عاقل کسی است که قبل از پایان یافتن فرصت-

ها، استعدادهای خویش را شکوفا سازد و کمال مطلوب خود را تحصیل نماید. امیر مؤمنان (ع) در همین خطبه یادآوری می‌کند: «... وَ قَدَّرَ لَكُمْ أَعْمَاراً سَتَرَهَا عَنْكُمْ؛ ... عمرهایی برای شما مقدر فرمود که مقدار دقیق آن از شما پنهان است...». در همین باب امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: «اگر انسان از مقدار عمر خود آگاه باشد و ببیند عمرش کوتاه است و پیوسته انتظار مرگ می‌کشد همان چند صباح زندگی برای او گوارا نخواهد بود و همانند کسی است که اموالش در شرف نابودی است و با تمام وجودش فقر و تنگدستی را احساس می‌کند و اگر عمر خود را طولانی ببیند در غرور و غفلت و لذات و انواع گناهان غوطه ور می‌شود به این پندار که از همه لذات بهره بگیرد و در پایان عمر توبه کند» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۳/ ۳۸۸). از مجموعه آموزه‌های قرآن کریم استفاده می‌شود که با ایمان و عمل صالح و بندگی خدا راه سعادت انسان طی می‌شود و وقت و عمر او قیمت پیدا می‌کند. اگر ما دچار غفلت شویم و از حسابرسی عمر و عملکرد خویش غافل گردیم، حساب‌گرانی دقیق، مأمور ثبت و ضبط اعمال و ارزیابی ما براساس عملکردمان هستند. آنها نه غافل می‌شوند و نه چیزی از چشمشان پوشیده می‌ماند؛ چنانکه امام علی (ع) می‌فرماید: «انَّ عُمْرَكَ عَدَدُ أَنْفَاسِكَ وَ عَلَيْهَا رَقِيبٌ يُحْصِيهَا؛ عمر تو همان تعداد نفس‌های توست و کسی مراقب آنهاست و آنها را می‌شمارد» (تمیمی آمدی، ۱۳۸۸: حدیث ۳۴۲۷).

راهکارهای رهایی از غفلت در خطبه غراء

امام (ع) هر جا توصیه‌ای کرده و هشدار را بیان داشته و یا مردم را از اموراتی منع نموده است حتماً جایگزین آن راهکاری را بیان نموده است. در این خطبه نیز علاوه بر بیان عوامل غفلت به ارائه راهکارهای رهایی از غفلت نیز اشاره نموده که در ذیل به اختصار به اهم آنها اشاره می‌شود:

۱. تقوا و پرهیزکاری

تقوا در آیات و روایات، عامل سعادت و رستگاری انسان و یکی از اهداف نزول قرآن معرفی شده و رعایت آن مورد تأکید فراوان قرار گرفته است؛ زیرا از اثرات تقوا، بصیرت و تشخیص حق از باطل می‌باشد؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ؛ اگر با تقوا بودید خداوند توان فرق نهادن بین حق و باطل را نصیب شما می‌نماید» (انفال / ۲۹). یکی از راهکارهای رهایی از غفلت، پرهیزکاری و رعایت تقواست. انسان با تقوا، به یاری الهی دری از درهای حکمت به رویش گشوده می‌شود و همین امر موجب می‌گردد دچار غفلت نشود. امام علی (ع) در اکثر خطبه‌ها و سخنان‌شان مردم را به تقوا توصیه می‌نماید و در این خطبه نیز می‌فرماید: «... أَوْصِيكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ؛ ... ای بندگان خدا شما را به تقوا و ترس از خدا سفارش می‌کنم ...». در واقع سرنوشت‌سازترین مسئله زندگی انسان از نگاه امام (ع) تقواست که سعادت دنیا و آخرت انسان به آن بستگی دارد و هر چه درجه تقوا بالاتر رود، از غفلت انسان کاسته خواهد شد.

۲. صبر و استقامت

در آیات و روایات از فضایل صبر و استقامت و ثمرات آن بسیار سخن گفته شده است؛ چنانکه خداوند در سوره مبارکه انفال می‌فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدِ وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَ أُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ آنها کسانی هستند که درجات عالی بهشت در برابر شکیبایی و صبر آنها به آنان ارزانی و پاداش داده می‌شود و در آنجا به درود و سلام با آنها برخورد می‌کنند» (انفال / ۷۵). در سایه‌سار تلاش همراه با بردباری است که استعدادهای فرد شکوفا شده و از شکست روحی در امان می‌ماند و جلوی سرکشی‌ها و کج‌روی‌هایش گرفته می‌شود. هر انسانی برای هدایت خویش مکلف به انجام واجبات و دوری از محرمات است که لازمه اجرای این فرامین الهی ایمان قوی و مستحکم می‌باشد؛ چنانکه حضرت (ع) در همین خطبه می‌فرماید: «... وَ أَنْصَبَ الْخَوْفُ بَدَنَهُ، وَ أَسْهَرَ التَّهَجُّدُ غَرَارَ نَوْمِهِ، وَ أَظْمَأَ الرَّجَاءُ هَوَاجِرَ يَوْمِهِ، وَ ظَلَفَ الزُّهْدُ شَهَوَاتِهِ...؛ عبادت شب کمترین خواب را هم از دیده‌اش گرفته و امید به رحمت حق او را در گرمای وسط روز تشنه نگاه داشته و بی‌رغبتی به دنیا وی را از شهواتش منع کرده». انسانی که در مسیر بندگی خدا و رسیدن به سعادت، شکیبایی ورزد و استقامت کند و تمام هم و غمش توجه به فرامین الهی و پیاده‌سازی آنها باشد دچار غفلت و فراموشی نخواهد شد.

۳. معاداندیشی

یکی از عواملی که موجب ترس از عذاب الهی می‌شود و در نهایت انسان را از غفلت دور می‌کند، یادآوری معاد و قیامت و حساب و کتاب است که امام علی (ع) بسیار بلیغ و تکان‌دهنده در خطبه‌گرا به آن اشاره کرده است. لحظه-

ای تفکر در مورد مرگ و معاد و جزا و پاداش منجر به بیداری هر انسان آگاه و عاقلی خواهد شد و دیگر جایی برای غفلت نخواهد ماند. چراکه وقتی سخن از ناتوانی خویشان و نزدیکان از مرگ است یا سخن از متلاشی شدن و پوسیده شدن بدن انسان‌ها در قبر توسط حشرات موذی است، چگونه می‌تواند غفلت کرد و غافلانه در این دنیا زیست؟! حضرت (ع) می‌فرماید: «فَهَلْ دَفَعْتَ الْأَقَارِبُ؟ أَوْ نَفَعْتَ النَّوَاحِبُ؟ وَ قَدْ غُوِدِرَ فِي مَحَلَّةِ الْأَمْوَاتِ رَهِينًا، وَ فِي ضَيْقِ الْمَضْجَعِ وَحِيدًا، قَدْ هَتَكَتِ الْأَهْوَامُ جِلْدَتَهُ، وَ أَبْلَتِ النَّوَاهِكُ جِدَّتَهُ؛ أَيَا أَنَّهُا (بستگان و نزدیکان) می‌توانند مرگی را از او دفع کنند و یا ناله و شیون‌های آنان برای او سودی دارد؟ در حالی که به محله مردگان سپرده شده در تنگنای قبر تنها مانده است، حشرات موذی پوست تن او را از هم می‌شکافند و سختی‌های قبر بدن او را می‌پوشاند». ایشان در این خطبه به گذرگاه سخت و خطرناک صراط به‌عنوان معبری که همه باید از آن عبور کنند، اشاره نموده و از سر افکندگی و شرمساری انسان‌ها در روز محشر در برابر عظمت الهی و دیگر ویژگی‌های روز قیامت در این خطبه سخن رانده و فرموده است: «أَنَّ مَجَازِكُمْ عَلَى الصِّرَاطِ، وَ مَزَالِقِ دَحْضِهِ، وَ أَهَاوِيلِ زَلَلِهِ، وَ تَارَاتِ أَهْوَالِهِ؛ وَ بَدَانِيدِ كِهْ عِبُورِ شَمَا از صِرَاطِ اسْتِ، أَنْجَا كِهْ جَايْگَاهْ لُغْزَشْ قَدْمِهَاسْتِ، وَ مَحَلْ هَوْلِ وَ تَرَسِ وَ اَنْوَاعِ مَخَاطِرَاتِ». توجه به اینها انسان را از هر غفلت و بی‌خبری نجات خواهد داد.

۴. عبرت‌آموزی

یکی از مهم‌ترین مقاصد تربیت، آن است که انسان به درجه‌ای از درک و بصیرت برسد که بتواند از ظواهر امور بگذرد و به باطن آنها بنگرد؛ از محسوسات

عبور کرده و به معقولات برسد و قدرتی فراگیر برای سنجش و اندازه‌گیری، تجزیه و تحلیل، حل و فصل امور و انتخاب و تصمیم‌گیری در ابعاد مختلف زندگی به‌دست آورد. عبرت‌آموزی راهی است که می‌تواند انسان را به این مقصد تربیتی برساند. حضرت علی (ع) بر عبرت‌آموزی و آثار آن تصریح کرده و می‌فرماید: «... وَ خَلْفَ لَكُمْ عِبْرًا مِنْ آثَارِ الْمَاضِينَ قَبْلَكُمْ: مِنْ مُسْتَمْتِعِ خَلْقِهِمْ، وَ مُسْتَفْسِحِ خِنَاقِهِمْ، أَرْهَقْتَهُمُ الْمَنَايَا دُونَ الْأَمَالِ أَرْهَقْتَهُمُ الْمَنَايَا دُونَ الْأَمَالِ، وَ شَدَّيْهِمْ عَنْهَا تَخْرُمُ الْأَجَالِ. لَمْ يَمْهَدُوا فِي سَلَامَةِ الْأَبْدَانِ، وَ لَمْ يَعْتَبِرُوا فِي أَنْفِ الْأَوَانِ...»؛ و از آثار گذشتگان برای شما عبرت‌ها به جای گذاشت، از بهره‌ای که از دنیا بردند و از فراخی عمر که پیش از گلوگیر شدن مرگ نصیب آنان بود. ولی قبل از اینکه به آرزوهایشان برسند مرگ به طرف آنان شتاب کرد و گسستن ریسمان اجل آنان را از آرزوهایشان جدا نمود. به وقت تندرستی زاد آخرت تهیه نکردند و از ابتدای جوانی عبرت نگرفتند...».

یکی از اهداف نقل تاریخ و داستان گذشتگان در قرآن، عبرت‌آموزی است. عبرت‌آموزی یعنی شخص تجربیات دیگران را در زندگی خود به‌کار گیرد و از فراز و فرود و عاقبت خیر و شر آنها درس بگیرد. پندپذیری و عبرت‌آموزی از اعمال پسندیده و فضایل نفسانی است که موجب بیداری انسان و تعالی روح و سعادت دنیا و آخرت می‌گردد. در بسیاری از آیات قرآن به داستان زندگی پیامبران الهی اشاره شده که در واقع هرگز هدف قرآن داستان‌سرایی نبوده بلکه ارائه رهنمود از رهگذر این داستان‌های سازنده بوده است. چه بسیار کسانی که نقشه‌های دامنه‌داری برای زندگی خود کشیده بودند و در دنیایی از آرزوها غوطه‌ور بودند ولی مرگ آمد و دامنه آرزوها را به سرعت برچید و همه

نقشه‌هایشان را نقش بر آب کرد و این درحالی بود که آنها تاریخ گذشتگان‌شان در برابر خود قرار داشتند ولی هوا و هوس‌های سرکش پرده ضخیمی بر چشمانشان افکنده بود و نتوانستند واقعیات زندگی را ببینند و درست زندگی کنند، از این‌رو با دست خالی به جهان دیگر شتافتند!

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان گفت غفلت آدمی را از رسیدن به سعادت بازمی‌دارد و مانعی جدی در راه رشد و کمال اوست، از این‌رو امام علی (ع) نیز به این مهم دقت داشته و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در کلام خود به همگان هشدار داده و مردم را از عوامل غفلت‌زا آگاه ساخته و در مقابل، راهکارهای مبتلا نشدن به غفلت و فراموشی را متذکر شده است تا شاید موجب بیداری جامعه گردد. از جمله عوامل غفلت‌زا که امام (ع) در نهج‌البلاغه و به‌طور خاص در خطبه غراء بدان اشاره نموده عبارت است از: نداشتن پیشوا و رهبر، بی‌بصیرتی و ناآگاهی، پیروی از هوای نفس و شیطان، توجه به زرق و برق دنیا، فراموشی مرگ که اگر در مقابل هر کدام از این عوامل به نقطه مقابل آن توجه شود، موجب بیداری انسان می‌گردد همچنین امام (ع) چهار راهکار اساسی ارائه داده است که پیاده‌سازی آنها در زندگی موجبات عدم غفلت را فراهم می‌آورد. این راهکارها عبارتند از: تقوای پیشگی، صبر، معاداندیشی، عبرت‌آموزی.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. ابراهیم، مصطفی، المعجم الوسیط، استانبول: دارالدعوه، ج ۱، ۱۹۸۹.
۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و درر الکلم، ترجمه لطیف راشدی، قم: انتشارات پیام علمدار، ۱۳۸۸.
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ترجمه حسین خداپرست، نشر نوید اسلامی، ۱۳۸۷.
۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دارالتراث العربیه، ۱۳۱۰ ق.
۷. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۷، ۱۳۶۸.
۸. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین(ع)، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۵.